



سیاست جنایی تقنینی ایران و عراق در جرائم اخلاقی مربوط به زنان با تأکید بر فقه امامیه

خدیجه حامدی^۱

طوبی شاکری گلپایگانی^۲

تاریخ داوری: ۱۴۰۳/۵/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۴/۱۹

چکیده

زنان به عنوان نیمی از بدنه ی جامعه انسانی نقش و جایگاه مهمی در هدایت و رشد جامعه بر عهده دارند، لذا انحرافات و جرائم اخلاقی آنان به مراتب آثار مخرب تری بر خانواده و جامعه خواهد داشت، از جمله مهمترین مصادیق جرائم اخلاقی را می توان در قالب هایی مانند جرم ارتباطات نامشروع، تظاهر کردن به عملکردهای حرام یا جریحه دار کردن عفت عمومی مشاهده کرد، بنابراین تأمل در سیاست های تقنینی در مواجهه با این نوع جرائم از اهمیت بسزایی برخوردار است چراکه عفت عمومی همواره از ارزش های مورد تأکید قانون گذار بوده است؛ از این رو با توجه به اشتراکاتی که در منابع و مبانی دو سیستم حقوقی ایران و عراق وجود دارد، در این نوشتار سعی شده است بر اساس روش توصیفی - تحلیلی به این سوال پاسخ داده شود که سیاست های جنایی تقنینی کشور عراق و ایران در تقابل با جرائم اخلاقی چگونه است؟ یافته های تحقیق نشان می دهد که یکی از نقاط اشتراک در دو سیستم حقوقی ایران و عراق در خصوص مقوله ی پیشگیری به معنای مجموعه سازوکارهای قانونی، جامعه شناختی، آموزشی، فرهنگی از تکرار جرم است، مانند جرم انگاری تحریک به فسق یا انجام فسق در راستای حفظ عفاف عمومی، هر چند در حیطه و محدوده اعمال منافی عفت در دو سیستم اختلافاتی نیز دیده می شود. **واژگان کلیدی:** سیاست جنایی تقنینی، جرائم اخلاقی، جرم انگاری، منافی عفت، فقه امامیه.

۱. دانش پژوه مقطع سطح چهار، موسسه آموزش عالی رفیعه المصطفی، دانشجوی دکتری حقوق خصوصی تهران

ایران، kh90.hamedi@gmail.com

۲. دانشیار، فقه و حقوق جزا، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران d.t.shakeri@gmail.com

مقدمه

در هر سیستم حقوقی سیاست جنایی و تقنینی یکی از مصادیق حقوق جزا و جرم شناسی است که در معنای عام از سیاست جنایی شامل تدابیر و اقدامات پیشگیرانه همراه با مجازات های مترتب بر انجام جرم می باشد. از سوی دیگر، دسته ای از جرائم با عنوان جرائم اخلاقی در سیاست جنایی و تقنینی سیستم حقوقی عراق و ایران علاوه بر بیان مصادیق، مجازات های آن نیز مشخص شده است. در واقع، جرائم اخلاقی به گروهی از جرائم بر علیه عفت و اخلاق عمومی جامعه اطلاق می شود که برضد بدیهیات و ارزش های اخلاقی است. بنابراین با توجه به اینکه، از یک سو زنان، نیمی از افراد جامعه ایران و عراق را تشکیل می دهند و از سوی دیگر مبنای قوانین کشور ایران بر اساس فقه امامیه بوده و مبنای قوانین کشور عراق نیز به گونه ای است که عملاً خلاف شریعت را ناپسند می دانند، این موضوع از اهمیت بسزائی برخوردار است. در واقع عفت عمومی خصوصاً در رابطه با زنان از ارزش های مورد تاکید قانونگذار است که مبنای جرم انگاری علیه بی عفتی قرار می گیرد. به عنوان مثال، برخی جرائم بر علیه عفت عمومی مانند: زناکاری به شکل های مختلف، لواط، تفخیز، مساحقه، پورنوگرافی، انتشار تصاویر خصوصی افراد نیز می تواند از مصادیق این نوع جرائم قرار گیرد. لذا مجموعه اعمالی که ارزشهای اکثریت جامعه را تحت الشعاع قرار دهد و در حد ناهنجاری به میزانی برسد که جامعه برای آنها ضمانت اجرایی تعیین نماید، می تواند در زمره جرائم اخلاقی قرار گیرد. سیستم حقوقی ایران و عراق فارغ از تفاوت ها دارای نقاط اشتراک فراوانی است و یکی از این نقاط، جرم انگاری و سیاست جنایی قابل توجه هر دو کشور در قبال جرائم اخلاقی است. بنابراین می توانیم بر این نکته تاکید ورزیم که محدوده پژوهش حاضر در خصوص سیاست جنایی تقنینی عراق و ایران در جرائم اخلاقی در حیطه مقاله حاضر است. مضافاً اینکه به تحلیل سیاست های جنایی تقنینی و تبیین مهمترین مصادیق از جرائم اخلاقی با رویکرد تطبیقی و در پاسخ به سوال کیفیت سیاست های جنایی تقنینی کشور عراق و ایران در تقابل با جرائم اخلاقی می پردازیم؟

قبل از ورود به مبحث اصلی، ذکر دو نکته یکی به منزله پیش فرض و دیگری به منزله فرضیه

ضرورتی انکارناپذیر دارد :

اول، سیاست جنایی تقنینی عراق و ایران در جرائم اخلاقی براساس مبانی حقوقی سیستم های هیات حاکمه کشور عراق و ایران در قالب بندی ابزارهای قدرتمند قانونی از قبیل: قانون اساسی، جزائی و آیین دادرسی کیفری و مجازات های مترتب بر جرائم اخلاقی قرار می گیرد. چنانچه می تواند با استفاده از ابزارهای قضایی همچون مجازات های جایگزین حبس یا نظام نیمه آزادی و ... انجام شود.

دوم، به نظر می رسد سیاست های جنایی و تقنینی در کشور مسلمان نشین عراق و ایران با همه اقسام خود مجموعه گسترده ای از جرائم بر ضد اخلاقیات عمومی را در بر بگیرند و این قابلیت را دارد که روش های ارتکاب و آثار مجرمانه را مورد بررسی قرار دهند.

تبیین مفاهیم محوری

به جهت دستیابی به تبیینی روشن در این زمینه در ابتدای مبحث به بررسی واژگانی مفهوم عفاف، هتک ناموس و جرائم منافی عفت می پردازیم .

۱. عفاف و اخلاقیات عمومی

یکی از واژگان مرتبط با پژوهش حاضر، عفت و اخلاق عمومی است. در حقیقت، عفت، واژه ای است در مقابل شهوت پرستی و از زمره فضائل اخلاقی محسوب می شود. هرگاه سخن از جرائم اخلاقی به میان می آید، واژه عفت، در آن ظهور پیدا می کند. زیرا بخش وسیعی از اخلاقیات در حیطه جامعه و قانون، مباحث مربوط به عفت است و جرائم بر علیه آن، جرائم برضد عفت و اخلاق در عرصه عمومی نام می گیرد.

در حقیقت، به لحاظ لغوی، پدیداری حالت هایی است که در نفس به این شکل است که انسان را از غلبه یافتن شهوت باز می دارد، لذا فرد عقیف به فردی اطلاق می شود که واجد این ویژگی باشد. (معین، ۱۳۷۴، ص ۲۱۰)

اخلاق عمومی در حقیقت مجموعه قواعدی است که در قالب بندی زمان و مکان



مشخص، توسط اکثریت یک جامعه، رعایت آن ضروری و لازم محسوب می گردد. یا حداقل عمل کردن به آن نیک شمرده می شود و در این حیطه، دارای ضمانت اجرای کافی نمی باشد. اگرچه مقررات وضع شده که در حیطه اخلاقی هستند، دارای ضمانت اجرا می باشند. (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۲، ص ۵۵۳۱)

لذا عفاف و اخلاقیات عمومی، ارتباط تفکیک ناپذیری از یکدیگر داشته و در واقع لازم و ملزوم یکدیگر می باشند به این معنا که آنچه در زنان در هر زمان و مکان و هر کشوری معنای ارزشمند و نقش قابل توجهی را ایفا می نماید، عفاف و ایجاد مقدمه برای اخلاقیات عمومی است.

۲. جرائم منافی با عفاف

جرم های منافی عفت می توانند در قالب مجموعه عملکردهایی که با ارزش های مقبول یک جامعه اخلاقی در تضاد باشد قرار گیرد. به طوری که ارتکاب آن، نوعی تجاوز به این دسته از ارزش های اخلاقی و اجتماعی است که از سوی مردم قابل احترام است. لذا به طور کلی به اعمال منافی عفت چنین تعریفی داراست: امور جنسی به این معنا است که به صورت وسیع بر اساس عرف و احساسات یک جامعه، به گونه ای شرم آور باشد و اگر به علت انجام واقعه یا شروع به انجام آن انجام نشود در همین حد باقی می ماند و در صورتی که با هدف واقعه یا شروع آن انجام شود، در واقع، هتک ناموس یا شروع در هتک ناموس خواهد بود و در حقیقت، منافی عفت به آن اطلاق نمی شود. لذا شروع به جرم هتک ناموس و جرم منافی عفت بر اساس هدف فرد مرتکب، معین می گردد. (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۲، ص ۵۵۳۳)

از این رو، اعمال ضد اخلاقی و بر علیه عفت نسبت به قانون، مورد منع قرار گرفته است و مهمترین ملاک تمیز و تشخیص آن بر اساس قواعد فقهی و نظریات حقوقی به شرح ذیل است:

اول اینکه، هرگاه مسائل مربوط به امور جنسی که نشأت گرفته از غرائز افراد است را مورد تحلیل و بررسی قرار می دهیم، مهمترین سوالی که ذهن ما را به خود مشغول می سازد آن است

که چگونه و با چه معیارهایی می توان مجموعه عملکردهای جنسی مشروع و مجاز را از عملکردهای جنسی منافی عفت و اخلاقیات عمومی تشخیص و تمییز داد.

در جهت پاسخگویی به این پرسش با توجه به دیدگاه های متخصصان در عرصه های روانشناسی و علوم اجتماعی می توان به این پاسخ دست یافت که در وهله اول، در تمامی جوامع بشری، اعم از جوامع ابتدایی و جوامع پیشرفته و در حال رشد، ارضای تمایلات جنسی بین دو جنس مخالف، صرفاً در حیطه شرایط مجاز و محدوده آداب و رسوم ناشی از طرز تلقی اکثریت افراد جامعه، قابل قبول است و به طور کلی در هیچ جامعه ای، ایجاد شدن ارتباطات بین زنان و مردان، بدون رعایت کردن موازین اخلاقی و عرف رایج آن جامعه، مجاز نخواهد بود و قابل پذیرش نیست. لذا ملاک و معیار تشخیص و تمییز اعمال ضد عفت و اخلاق عامه، امری نسبی است و از اخلاقیات، آداب و رسوم متعارف و عقاید اکثریت افراد جامعه پیروی می نماید.

۳. هتک ناموس و عرض

هتک ناموس به معنای آمیزش و رابطه جنسی یک مرد با یک زن در شرایطی که زن دارای رضایت باطنی و میل و رغبت به او نیست لذا به زور و برخلاف اراده و میل او می باشد. به لحاظ قانونی، در صورتی که فرد، نیت هتک ناموس داشته باشد و این قصد یا نیت او اثبات شود، حتی بدون اینکه فرد تجاوزکننده برای این نیت خود، موفق نشود، با این وجود، مجازات هتک ناموس در او اجرا می گردد.

اگرچه به نظر می رسد با عنایت به اینکه، عملکرد زنا، عنوان ثانوی هتک ناموس است، با عنایت به ماده شصت و سوم قانون مجازات اسلامی و ماده ۲۲۱ قانون مجازات مصوب ۱۳۹۲ در واقع، دخول، شرط تحقق جرم مذکور است. به دیگر بیان: هتک ناموس، نوعی تجاوز جنسی محسوب می شود و این تجاوز جنسی می تواند با زنان و به صورت لواط با مردان باشد. عملکرد لواط در بسیاری از نقاط دنیا، نوعی هتک ناموس به حساب نمی آید ولی در کشور ایران و عراق، هتک ناموس محسوب می شود. به همین جهت در کتب لغوی حقوقی هتک ناموس به نوعی مواجهه اطلاق می گردد. (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۲، ص ۱۳۷)

هتک عرض به معنای مجموعه ای از عملکردها یا اعمال مادی مخالف با اخلاق و آبروی افراد است به طوری که به صورت مستقیم بر روی فرد معینی انجام می گیرد. در این حیطه، بین اینکه آن فرد معین، زن باشد یا مرد باشد، و تفاوتی ندارد بین اینکه اناث و پاکی وی دارای صدمه شده باشد یا اینکه لکه دار شده باشد. مراد از تجاوز به عفت، هتک ناموس به عفت است و جنس مجنی علیه در او تاثیر خاصی ندارد. (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۲، ص ۱۳۸)

مصادیق جرائم اخلاقی مربوط به زنان

مهمترین مصادیق جرائم اخلاقی در کشور ایران و عراق که در ارتباط با دخالت زنان به عنوان مجرم یا افراد مرتبط با این جرائم قرار می گیرد و یکی از ارکان تشکیل دهنده و به بیانی واضح تریکی از عناصر مادی جرم های اخلاقی را تشکیل می دهد به گونه ای است که در گزاره های حقوقی این دو کشور با دارا بودن وجوه تشابه و تفاوت بیان شده است و تفصیل آن به شرح ذیل می باشد:

۱. ارتباطات نامشروع

بر اساس ماده ششصد و سی و هفت قانون مجازات اسلامی ایران (مصوب ۱۳۹۲) هرگاه زن و مردی که بین آنها ارتباط زوجیت وجود نداشته باشد به این معنا که آنها با یکدیگر عقد ازدواجی منعقد نکرده باشند، مرتکب ارتباطات نامشروع یا اعمال منافی عفت که غیرزنا باشد، بشوند مانند تقبیل (بوسیدن) یا مضاجعه (هم آغوشی) بی تردید مجازات آنها به میزان نودونه ضربه می باشد و در صورتی که عملکرد مذکور همراه با اجبار یا عنف و اکراه باشد بی تردید، فرد اکراه کننده مورد تعزیر قرار خواهد گرفت.

چنانچه در قوانین عراق نیز این نوع ارتباطات در صورتی که با اجبار یا عنف و اکراه همراه باشد مجازات او زندانی شدن به میزان بیشتر از ۱۵ و حتی در برخی موارد ۲۱ سال زندان همراه با اعمال شاقه می باشد. (قانون العقوبات العراقي، ۱۹۶۹م، ماده، ۴۹۰)



۲. تظاهر به عملکرد حرام یا جریحه دار نمودن عفت عامه

بر اساس ماده ششصد و سی و هشت قانون مجازات اسلامی، هر فردی به صورت علنی در انظار عمومی و اماکن عمومی و معابر به صورت تظاهر، به عملکرد حرام، ارتکاب ورزد، افزون بر مجازات عمل به مجازات زندان بین ۱۰ روز تا ۲ ماه یا هفتاد و چهار ضربه شلاق محکوم خواهد شد. و اگر مرتکب عملکردی شود که نفس آن عملکرد، دارای کیفر نمی باشد، ولی عفت عمومی را جریحه دار کند، صرفاً به مجازات زندان بین ۱۰ روز تا ۲ ماه یا هفتاد و چهار ضربه شلاق محکوم می شود.

در تبصره همین ماده تظاهر زنان به صورت بدون حجاب شرعی در انظار عامه نیز مجازات زندان بین ۱۰ روز تا ۲ ماه یا پرداخت جزای نقدی بین ۵۰ هزار تا ۵۰۰ هزار ریال محکوم می گردند. چنانکه در قانون مجازات عراق به صورت اعمال منافی عفت و در صورت وادار کردن همراه با خشونت و تهدید باشد، مجازات او زندانی شدن به میزان ۱۲ سال و با اعمال شاقه خواهد بود و حداقل در برخی مواقع ۱۸ سال زندانی با اعمال شاقه را نیز متحمل خواهد شد. (قانون العقوبات، ۱۹۶۹م، ماده ۴۹۳)

۳. تشویق و ایجاد مراکز فحشا و فساد انگیز

بر اساس ماده ششصد و سی و نه قانون مجازات اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۲، در حقیقت افرادی که مراکز فحشا و فساد انگیز را ایجاد یا اداره نمایند و یا مردم را به فساد و فحشا تشویق و ترغیب کنند یا مقدمات و موجبات آن را فراهم کنند، مجازات آنان، زندانی شدن به مدت ۱ سال تا ۱۰ سال می باشد. افزون بر این، در فقه امامیه که ماهیت معظم قوانین موضوعه ایران را تشکیل می دهد، در صورتی که بر عملکرد مذکور، قوادی کردن نیز صدق کند، مشمول مجازات قوادی نیز می شود.

۴. تولید محتواهای غیر اخلاقی، انتشار و توزیع محتویات مستهجن

تولید محتواهای غیر اخلاقی عبارتی دیگر از هرزه نگاری در حقوق کیفری ایران و عراق است.

و این به معنای نشان دادن و تکثیر و انتشار صحنه های آشکار جنسی در یک قابل ادبی یا هنری به گونه ای است که موجبات پدیداری آثار مخرب زیادی بر عفت و پاکدامنی عمومی و اخلاق فردی و عمومی و همچنین بنیان خانواده ها را فراهم می سازد.

در قوانین کشور ایران به عنوان مثال، بر اساس ماده ششصد و چهل قانون مجازات اسلامی ایران، هر فردی محتوای غیر اخلاقی را تولید، توزیع یا منتشر کند، به این معنا که نوشتن یا طرح یا نقاشی یا تصویرها یا در قالب فیلم ها و نوارهای سینمایی محتوایی را تولید نماید که عفاف و اخلاقیات عمومی را جریحه دار نماید، مجازات او زندانی شدن به مدت ۳ ماه تا ۱ سال می باشد. افزون بر این، مجازات پرداختن وجوه نقدی به مبلغ ۱ میلیون و ۵۰۰ هزار ریال تا ۶ میلیون ریال و تا هفتاد و چهار ضربه شلاق محکوم می گردد و در این حین مجازات او می تواند بین این دو مجازات های مذکور باشد. این نحوه از مجازات ها شامل فردی که اشیاء مذکور را با هدف تجارت یا معاملات دیگر که شامل تحصیل مال از طریق کرایه دادن باشد نیز می شود.

چنانچه در قوانین عراق نیز مشابه این تعریف و مجازات های شبیه به آن که مترتب بر آن است بیان شده است.^۱ (قانون مجازات عراق، ماده ۲۳۷)

۵. مزاحمت تلفنی یا رایانه ای

در ماده ششصد و چهل و یک قانون مجازات ایران مصوب ۱۳۹۲ در حقیقت هر فردی است که به وسیله تلفن یا دستگاه های مخابراتی دیگر برای افراد ایجاد مزاحمت کند، افزون بر اجرای مقررات مخصوص شرکت مخابرات، فرد مرتکب شونده، به مجازات ۱ تا ۶ ماه محکوم می شود. چنانکه ایجاد مزاحمت در گزاره های حقوقی عراق با عنایت به نوع و شرایط آن و در قالب های تلفنی یا رایانه ای مجازات زندانی شدن و پرداخت جزای نقدی را در بر دارد. (عبدالقادر، ۲۰۰۲، ص ۲۵)

۱. « يعاقب بالحبس مدة لا تزيد على سنة وبغرامة لا تزيد على مائة دينار أو باحدى هاتين العقوبتين من يضع يده بدون سبب قانوني على مال أو شخص رفعت يده عنه بمقتضى حكم قضائي ويجوز مضاعفة العقوبة اذا وقعت الجريمة باستعمال العنف.»

راهکارهای قانونی در سیاست تقنینی کشور ایران و عراق

در تحلیل این راهکارها دو محدوده ذیل قابل توجه است: محدوده اول، عناصر اصلی جرائم اخلاقی مربوط به زنان و محدوده دوم، راهکارهای قانونی و مجازاتی مترتب بر جرائم اخلاقی مربوط به زنان که تفصیل آن به شرح ذیل است:

محدوده نخست: عناصر اصلی جرائم اخلاقی مربوط به زنان

۱. رکن مادی، اولین و اساسی ترین رکن جرائم اخلاقی

رکن مادی یعنی قوام مادی تشکیل دهنده جرم اخلاقی در گزاره های قانونی ایران و عراق، در حقیقت، نفس افعال فرد مرتکب جرم اخلاقی است. توضیح اینکه آنچه که در زمینه فعل یا مجموعه عملکرد های فرد مرتکب جرم اخلاقی بروز و نمود یافته است، همگی جزء افعال ایجابی و نه سلبی توسط فرد مرتکب می باشند که بخشی از عنصر یا رکن مادی این جرم است. به عنوان مثال، رکن مادی جرم زنا یا اعمال و ارتباطات نامشروع، نفس عملکرد زنا و رابطه نامشروع است.

بنابراین، می توان بر این نکته تأکید کرد که عنصر یا رکن مادی جرم رابطه نامشروع، اعمال و مجموعه رفتارهای مجرمانه مرتکبین جرم می باشد همچنین موضوع جرم و اوضاع و احوال و شرایط لازم برای تحقق جرم خواهد بود. لذا رکن مادی جرم رابطه نامشروع، از نوع فعل های مثبت است و لذا شامل هر نوع عملکردی می شود که عملاً منافات با عفت عمومی دارد. و بنابراین، صرفاً تنها بودن زن و مرد ها در پارکها یا خودروها و نشستن دو نفر نامحرم در مقابل یا کنار یکدیگر یا با یکدیگر قدم زدن، عملاً قابلیت این را ندارد که به عنوان رکن مادی جرم اخلاقی مذکور تلقی شود.

به همین جهت در ماده ششصد و سی و هفتم قانون مجازات اسلامی ایران اعمال مثبت یعنی لمس کردن یکدیگر، مانند تقبیل و مضاجعه و موارد مرتبط با آن و مضاجعه یا همبستری بین زن و مرد از افعال مثبت است که رکن یا عنصر مادی جرم اخلاقی رابطه نامشروع را تشکیل می دهد.



بنابراین، نوع فعل در رکن مادی جرائم اخلاقی از نوع افعال مثبت است نه از افعال سلبی یا منفی. و افزون بر این، شرایط خاصی که برای تحقق جرم لازم است نیز باید موجود باشد. مانند: نبود علقه زوجیت، عدم مشروعیت رابطه، وجود رابطه جسمی بین زن و مرد مانند زنا یا تقبیل یا مضاجعه و هر آنچه که در این موارد است.

چنانکه در منابع حقوقی عراق، رکن مادی موسوم به «عنصر جسمانی» معرفی شده است. به این معنا که هر عملکرد منافی و مخل به عفت و نوعی هجوم ناشایست باشد و به صورت غیر اخلاقی و به شکل مستقیم در رابطه با بدن انسان و برهنگی آن باشد و ناظر به آزردن حیا و شرافت او باشد، عملاً رکن مادی جرم اخلاقی محسوب می شود. به عنوان مثال، آشکار کردن عورت، قراردادن آلت تناسلی بین ران های قربانی، عمل منافی عفت محسوب می شود. همچنین آمیزش جنسی بر خلاف فطرت به گونه ای که عملاً به عفت او آسیب می رساند و موجبات رسوایی او می شود مانند دست زدن به عورت و اندام تناسلی فرد از مصادیق عنصر یا رکن مادی جرم است. (الزامات و قرارات کیفری سوریه، ش ۴۶۵، ۱۹۵۶)^۱

۲. رکن معنوی، عبارتی دیگر از سوء نیت و انگیزه ارتکاب جرائم اخلاقی

یکی از مهمترین ارکان جرم، وجود سوء نیت یا انگیزه مرتکب شدن جرائم اخلاقی است. نوع سوء نیتی که در جرم مطرح شده، در حقیقت، عمومیت دارد به این معنا که عملاً احتیاج نیست که سوء نیت خاصی مد نظر باشد بلکه سوء نیت، عام بوده و همین عمومیت کفایت می نماید.

۱. الركن المادي: يتألف من كل فعلٍ مخلٍ بالحیاء يعدّ هتكاً للعرض؛ أو من كل فعل يقع على جسم الإنسان المجني عليه، فكل فعل مخل بالحیاء یمس جسم الإنسان وعورته مباشرة ويخدش حیاءه وعرضه - وبغض النظر عن بساطته أو جسامته - حتی لم يحصل إیلاج؛ لأن هذا الجرم يتم بمجرد الاتصال أو الملامسة شريطة أن يؤديه في عفته ويلحق العار به، وهذه بعض صور الأفعال؛ إن كشف العورة ووضع القضيب بين فخذي المجني عليه يشكل الفعل المنافي للحشمة. (نقض سوري بالقرار رقم ۷۳۷ / لعام ۱۹۷۸).

لا ينحصر جرم الفعل المنافي للحشمة بأفعال المجامعة على خلاف الطبيعة أو الإیلاج، وإنما يدخل في دلالته كل فعل يقع على شخص في موضع يؤديه في عفته ويلحق العار به كملامسة العورة بالآلة التناسلية، وما شابه ذلك من الأفعال التي تعدّ في نظر المجتمع منافية للحشمة

لذا آنچه که در درون ذهن و نیت انسان برای ارتکاب اعمال خلاف عفت و اخلاق مشهود است، سوء نیتی است که او را به ارتکاب عملکرد خلاف مقررات اخلاقی و شرعی بر می انگیزاند. و این عبارتی دیگر از رکن معنوی برای ارتکاب جرم اخلاقی است که در هر دو سیستم حقوقی کشور ایران و عراق، مشهود است.

چنانکه در منابع قوانین عراق نیز، این رکن، تحت عنوان «القصد الجرمی» یعنی قصد یا نیت مجرمانه از انجام جرائم اخلاقی مطرح شده است. به این معنا که نیت عام یا قصد مجرمانه کلی نیز برای ارتکاب جرم اخلاقی، کفایت می کند یعنی مجرم باید از عملکردی که مرتکب می شود، آگاهی داشته باشد و عواقب آن را نیز بخواهد. (قانون العقوبات العراقي، ماده ۴۹۳)^۱

۳. رکن قانونی جرائم اخلاقی در قوانین ایران و عراق

منظور از رکن قانونی، وجود مواد قانونی در حیطه جرائم اخلاقی است. تفصیل رکن قانونی در قالب بندی محدوده مطالب ذیل با نگاهی تطبیقی بین قوانین موضوعه دو کشور مذکور بیان شده است.

محدوده دوم: راهکارهای مجازاتی مرتب بر جرائم اخلاقی مربوط به زنان

در قانون مجازات ایران به طور کلی، در قالب حدود و تعزیرات در گزاره های قانونی خاصی بیان شده است. در ضمن هر یک از مجازات هایی که در این مبحث بیان می گردد، نقاط اشتراک و افتراق این گزاره ها در تقابل با گزاره های حقوقی قوانین موضوعه عراق مورد مذاقه قرار می گیرد. تفصیل این که در قانون مجازات اسلامی انواع مجازات های حدی که در واقع، انواع روش های اجرای مجازاتهای حدی است، عبارتند از:

۱. قتل (بر اساس ماده ۲۸۲^۲، ۲۸۶^۱ و ۲۷۸^۲ و ۲۳۴ قانون مجازات اسلامی ایران، مجازات

۱. القصد الجرمی: هذه الجريمة من الجرائم المقصودة التي تتطلب قصداً جرمياً عاماً. أي أن يكون الجاني عالماً بما يرتكبه من فعل وراغباً في نتائجه...

۲. « حد محاربه یکی از چهار مجازات زیر است:



افساد فی الارض و لواط)

مشابه این مجازات برای کسی که به صورت عمد موجب قتل کسی شود و این قتل بر اساس آتش سوزی عمدی صورت گیرد در بند چهارم ماده ۳۴۲ قانون مجازات عراق، بیان شده است.^۳ همچنین مجازات اعدام یا حبس ابد برای کسی که عملکرد او منجر به مرگ انسان شود نیز در ماده ۳۵۵ قانون مجازات عراق، پیش بینی شده است.^۴

• الف- اعدام

• ب- صلب

• پ- قطع دست راست و پای چپ

• ت- نفی بلد»

۱. «هر کس به طور گسترده، مرتکب جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور، نشر اکاذیب، اخلال در نظام اقتصادی کشور، احراق و تخریب، پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک یا دایرکردن مراکز فساد و فحشا یا معاونت در آنها گردد به گونه ای که موجب اخلال شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی، یا سبب اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع گردد مفسد فی الارض محسوب و به اعدام محکوم می گردد.»

۲. «حد سرقت به شرح زیر است:

• الف- در مرتبه اول، قطع چهار انگشت دست راست سارق از انتهای آن است، به طوری که انگشت شست و کف دست باقی بماند.

• ب- در مرتبه دوم، قطع پای چپ سارق از پایین برآمدگی است، به نحوی که نصف قدم و مقداری از محل مسح باقی بماند.

• پ- در مرتبه سوم، حبس ابد است.

• ت- در مرتبه چهارم، اعدام است هر چند سرقت در زندان باشد»

۳. «مادة ۳۴۲... وتكون العقوبة الاعدام او السجن المؤبد اذا افضى الحريق الى موت انسان»

۴. «مادة ۳۵۵»

۱- يعاقب بالحبس وبالغرامة او باحدى هاتين العقوبتين كل من احدث عمدا تخریبا او اتلافا بطريق عام او مطار او جسر او قنطرة او سكة حديدية او نهر او قناة صالحين للملاحة.

۲- وتكون العقوبة السجن المؤبد او المؤقت اذا استعمل الجاني المفرقات او المتفجرات في ارتكاب الجريمة.

۳- وتكون العقوبة الاعدام او السجن المؤبد اذا ادى ذلك الى كارثة او موت انسان..»



۲. رجم (براساس ماده ۲۲۵^۱ قانون مجازات اسلامی) این در حالی است که در ماده ۳۷۷ قانون مجازات عراق، جرم زنا از سوی زوج یا زوجه منجر به رجم نیست بلکه عقوبت حبس را در بر دارد.^۲

۳. حبس ابد (براساس ماده ۳۷۵ قانون مجازات اسلامی)

۴. تازیانه (براساس ماده ۲۵، ۱۷۳، ۱۹۹، ۲۲۵، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۰ و ۲۳۴^۳ قانون مجازات اسلامی)

۵. تراشیدن سر (در فقه به آن جزّ الراس گفته می شود) (براساس ماده ۲۲۹ قانون مجازات اسلامی)

۶. تبعید کردن به مدت سه ماه تا یکسال (براساس ماده ۲۴۳ و ۲۲۹ قانون مجازات اسلامی)

افزون بر این نه مورد، در گستره فقه، جرائم ذیل دارای مجازات های مستوجب حد می باشند:

۱. زنا به عنف و لواط ایقابی

۱. «حد زنا برای زانی محصن و زانیه محصنه رجم است. در صورت عدم امکان اجرای رجم با پیشنهاد دادگاه صادرکننده حکم قطعی و موافقت رئیس قوه قضاییه چنانچه جرم با بینه ثابت شده باشد، موجب اعدام زانی محصن و زانیه محصنه است و در غیر این صورت موجب صد ضربه شلاق برای هریک می باشد»
۲. «مادة ۳۷۷

۱- يعاقب بالحبس الزوجة الزانية ومن زنا بها ويفترض علم الجاني بقيام الزوجية ما لم يثبت من جانبه انه لم يكن في مقدوره بحال العلم بها.

۲- ويعاقب بالعقوبة ذاتها الزوج اذا زنا في منزل الزوجية...»

۳. «ماده ۲۲۸: در زنا با محارم نسبی و زنا محصنه، چنانچه زانیه بالغ و زانی نابالغ باشد مجازات زانیه فقط صد ضربه شلاق است.

ماده ۲۲۹: مردی که همسر دائم دارد، هرگاه قبل از دخول، مرتکب زنا شود حد وی صد ضربه شلاق، تراشیدن موی سر و تبعید به مدت یک سال قمری است.

ماده ۲۳۰: حد زنا در مواردی که مرتکب غیر محصن باشد، صد ضربه شلاق است.» و «ماده ۲۳۴- حد لواط برای فاعل، در صورت عنف، اکراه یا دارا بودن شرایط احصان، اعدام و در غیر این صورت صد ضربه شلاق است. حد لواط برای مفعول در هر صورت (وجود یا عدم احصان) اعدام است.»

۲. رجم که گاهی منجر به قتل می شود و گاهی منجر به قتل نمی گردد که مجازات مرد و زن زانی محصن است.. (شهید ثانی، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۴۳۰)
- جرائمی که مجازات های مستوجب تعزیر را در بر دارند عبارتند از:
- تراشیدن موی سر زن
 - درگیر شدن افراد مست با همدیگر
 - ظهور زمینه فساد در افراد
 - قوادی که حم به نفی بلد فرد قوآد شده است
 - همخوابی زن و مرد نامحرم. همخوابی زن با زن یا مرد با مرد
 - بوسه شهوانی نامشروع
 - ازاله بکارت از راهی به جز آمیزش جنسی
 - آمیزش جنسی با حیوانات
 - خودارضایی (استمناء) (نجفی، محمدحسن، جواهرالکلام، ج ۴۱، ۶۴۴؛ حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۵۷۵)
- مجازات های مستوجب تعزیر عبارتند از:
- زندانی شدن
- زندان شدن یا «حبس» در قانون مجازات اسلامی در ذیل تعزیرات و مجازات های بازدارنده بیان شده است (ماده یک تا یازده قانون مجازات اسلامی) به عنوان مثال در جرائم ضد امنیت داخلی و خارجش کشور براساس ماده یک این قانون: «هر کس با هر مرامی، دسته، جمعیت یا شعبه جمعیتی بیش از دو نفر در داخل یا خارج از کشور تحت هر اسم یا عنوانی تشکیل دهد یا اداره نماید که هدف آن برهم زدن امنیت کشور باشد و محارب شناخته نشود به حبس از دو تا ده سال محکوم می شود.» همچنین در ماده دو این قانون بیان می شود: «هر کس در یکی از دسته ها یا جمعیت ها یا شعب جمعیت های مذکور در ماده ۱ عضویت یابد به سه ماه تا پنج سال حبس محکوم می گردد مگر اینکه ثابت شود از اهداف آن بی اطلاع بوده است.»
- افزون بر این در ماده سه قانون مجازات در مورد تعزیر جرم فردی که به نفع گروه ها و

سازمان های مخالف نظام فعالیت تبلیغی نماید در رابطه با میزان حبس آن بیان می کند: «هر کس علیه نظام جمهوری اسلامی ایران یا به نفع گروه ها و سازمان های مخالف نظام به هر نحو فعالیت تبلیغی نماید به حبس از سه ماه تا یکسال محکوم خواهد شد.»

از سوی دیگر در ماده چهار بیان می شود: «هر کس نقشه ها یا اسرار یا اسناد و تصمیمات راجع به سیاست داخلی یا خارجی کشور را عالمأ و عامداً در اختیار افرادی که صلاحیت دسترسی به آنها را ندارند قرار دهد یا از مفاد آن مطلع کند به نحوی که متضمن نوعی جاسوسی باشد، نظر به کیفیات و مراتب جرم به یک تا ده سال حبس محکوم می شود.»

همچنین در ماده پنج این قانون بیان می شود: «هر کس به نفع یک دولت بیگانه و به ضرر دولت بیگانه دیگر در قلمرو ایران مرتکب یکی از جرایم جاسوسی شود به نحوی که به امنیت ملی صدمه وارد نماید به یک تا پنج سال حبس محکوم خواهد شد.»

از سوی دیگر در ماده ۶ این قانون نیز در مورد میزان حبس فردی که با قصد دزدی یا کسب اطلاع از اسرار سیاسی یا نظامی یا امنیتی به مواضع مربوطه وارد شود بیان می دارد: «هر کس به قصد سرقت یا نقشه برداری یا کسب اطلاع از اسرار سیاسی یا نظامی یا امنیتی به مواضع مربوطه داخل شود و همچنین اشخاصی که بدون اجازه مأمورین یا مقامات ذیصلاح در حال نقشه برداری یا گرفتن فیلم یا عکسبرداری از استحکامات نظامی یا اماکن ممنوع دستگیر شوند به شش ماه تا سه سال حبس محکوم می شوند.

این در حالی است که مجازات فردی که تحریک کننده فرار، عصیان تسلیم یا عدم اجرای وظائف مربوط به رزمندگان یا خدام نیروهای مسلح هستند در ماده هفت این قانون به این شکل بیان شده است: «هر کس نیروهای رزمنده یا اشخاصی را که به نحوی در خدمت نیروهای مسلح هستند تحریک مؤثر به عصیان، فرار، تسلیم یا عدم اجرای وظایف نظامی کند در صورتی که قصد براندازی حکومت یا شکست نیروهای خودی در مقابل دشمن را داشته باشد محارب محسوب می شود و الاچنانچه اقدامات وی مؤثر واقع شود به حبس از دو تا ده سال و در غیر این صورت به شش ماه تا سه ساله حبس محکوم می شود.»

همچنین در رابطه با فردی که با هدف به هم زدن امنیت کشور اطلاعات مهم و طبقه بندی



را با پوشش مسئولیتی خاصی در اختیار دولت های دیگر یا دیگران قرار دهد، در ماده هشت این قانون مجازات آن به صورت حبس یا زندانی شدن معرفی شده است: «هر کس با هدف برهم زدن امنیت کشور به هر وسیله اطلاعات طبقه بندی شده را با پوشش مسئولین نظام یا مأمورین دولت یا به نحو دیگر جمع آوری کند چنانچه بخواهد آن را در اختیار دیگران قرار دهد و موفق به انجام آن شود به حبس از دو تا ده سال و در غیر این صورت به حبس از یک تا پنج سال محکوم می شود.»

نه تنها جرم افراد مذکور به صورت تعزیرات مشمول حبس معین شده بلکه افراد مأمور که مسئول حفاظت اطلاعات کشور و دولت هستند اگر در انجام وظائف خود کوتاهی و بی مبالاتی کنند به طوری که عملاً در اثر بی مبالاتی و کوتاهی آنان، مورد تخلیه اطلاعاتی قرار گیرند، دارای مجازات حبس تحت ماده ۹ قانون مذکور قرار می گیرند: «چنانچه مأمورین دولتی که مسئول امور حفاظتی و اطلاعاتی طبقه بندی شده می باشند و به آن ها آموزش لازم داده شده است در اثر بی مبالاتی و عدم رعایت اصول حفاظتی توسط دشمنان تخلیه اطلاعاتی شوند به یک تا شش ماه حبس محکوم می شوند.»

چنانکه عضویت فرد در دستجات مفسدین یا اقدام کنندگان علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور و همکاری کردن با این گروه ها نیز مجازات حبس تعزیری را در بر خواهد داشت و ماده ده قانون مجازات نیز بیان گر این امر است: «هر کس داخل دستجات مفسدین یا اشخاصی که علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور اقدام می کنند بوده و ریاست یا مرکزیتی نداشته باشد و قبل از تعقیب، قصد جنایت و اسامی اشخاصی را که در فتنه و فساد دخیل هستند به مأمورین دولتی اطلاع دهد و یا پس از شروع به تعقیب با مأمورین دولتی همکاری مؤثری به عمل آورد از مجازات معاف و در صورتی که شخصاً مرتکب جرم دیگری شده باشد فقط به مجازات آن جرم محکوم خواهد شد.» چنانکه در ماده یازده این قانون نیز بیان شده: «هر کس یا گروهی با دول خارجی متخاصم به هر نحو علیه جمهوری اسلامی ایران همکاری نماید، در صورتی که محارب شناخته نشود به یک تا ده سال حبس محکوم می گردد.»

مشابه این مجازات ها در قانون مجازات عراق نیز بر اساس نوع جرمی که فرد مرتکب می



شود وضع شده است. به عنوان مثال جرم تشویق فرد صغیر به شرب خمر و تحریک او علاوه بر پرداخت جریمه سنگین، عقوبت زندانی شدن را نیز در بر دارد.^۱

از سوی دیگر، به طور کلی، در قانون مجازات عراق نیز جرائم به سه دسته تقسیم شده اند: «الجرائم من حيث جسامتها ثلاثة أنواع: الجنایات والجنح والمخالفات. يحدد نوع الجريمة بنوع العقوبة الأشد المقررة لها في القانون وإذا اجتمع في عقوبة جريمة ما الحبس والغرامة فيحدد نوع الجريمة بمقدار عقوبة الحبس المقررة لها في القانون.» (ماده ۲۳ قانون مجازات عراق)

در حقیقت، بازدارندگی به دو نوع بازدارندگی کلی و بازدارندگی خاص تقسیم می شود. بازدارندگی کلی یا عام در رابطه با هر دو سیستم قضایی ایران و عراق مشهود است. لذا می توان گفت به طور کلی خاصیت مجازات های مترتب بر جرائم مذکور، در سیستم قضایی ایران و عراق، بازدارندگی است و مجازات های مذکور در واقع، فی نفسه خاصیت بازدارندگی عام یا کلی را دارند.

با این وجود، بازدارندگی خاص، نوعی دیگر از بازدارندگی است که در واقع، جنبه فردگرایانه دارد، به این شکل که صرفاً به فرد مجرمی که کیفر را متحمل شده می نگرد. این در حالی است

۱. «مادة ۳۸۶:

۱- يعاقب بغرامة لا تزيد على عشرة دنانير من وجد في طريق عام او محل مباح للجمهور في حالة سكر بين بأن فقد صوابه او احدث شغباً او ازعاجاً للغير.

۲- وفي حالة العود الى ارتكاب الجريمة خلال سنة من تاريخ صدور الحكم عليه تكون العقوبة الحبس مدة لا تزيد على شهر او الغرامة التي لا تزيد على عشرين ديناراً. وللمحكمة اذا ثبت لديها ان العائد مدمن على السكران تأمر بدلاً من العقوبة المنصوص عليها في هذه الفقرة بايداعه احد المصحات التي تنشأ لهذا الغرض او احد المستشفيات الحكومية لمدة ستة اشهر ولها بناء على طلب الادعاء العام او المحكوم عليه ان تفرج عنه قبل انقضاء هذه المدة اذا تبين شفاؤه بتقرير طبي صادر من المصح او المستشفى.

مادة ۳۸۷

من حرض حدثاً لم يبلغ عمره ثمانين سنة كاملة على تعاطي السكر او قدم شراباً مسكراً لغير غرض المداواة يعاقب بالحبس مدة لا تزيد على عشرة ايام او بغرامة لا تزيد على عشرين ديناراً. فاذا كان قد خدع المجنى عليه في نوع الشراب فتعاطاه على غير علم منه عوقب بالحبس مدة لا تزيد على شهر واحد او بغرامة لا تزيد على ثلاثين ديناراً

که بازدارندگی عام بر اساس دید جامعه محور و کلی، به تمام افراد جامعه می نگرد به طوری که امکان دارد که در آینده این احتمال وجود داشته باشد که افرادی بزهکار شوند به این عنوان که بازدارندگی عام با دید جامعه محور خویش، متوجه همه افراد جامعه است که می توانند بزهکاران احتمالی در آینده باشند.

اگرچه «برخی از نویسندگان بر این باورند که هیچ گونه تاثیر عام و خاص بازدارنده ای را نمی توان برای ضمانت اجراهای کیفری قائل شد و شاهد مدعای آنان نیز عدم کاهش نرخ بزهکاری متعاقب اعمال مجازات هاست. بر این اساس این گروه بر این اعتقادند که میزان سرسام آور ارتکاب جرم و بویژه نرخ افزون تر تکرار جرم، بیانگر عدم توفیق مجازات یا تهدید به مجازات در تقلیل بزهکاری در سطح جامعه است و همین امر باعث دروغ پنداشته شدن تئوری مذکور از سوی عده ای از دیدگاه تاریخی و منطقی شده است. به طوری که به عنوان نمونه نویسندگان مکتب تحقیقی بیان داشته اند که مجازات نه موجب ارباب مجرم است و نه تاثیر اربابی بر دیگران دارد.» (غلامی، ۱۳۸۱، صص ۸۷-۸۸)

آنچه که مبرهن است در قانون قدیم مجازات یعنی قانون مجازات (مصوب سال ۱۳۷۰) صراحتاً در گزاره ای از این قانون، مجازات هایی موسوم به «مجازات های بازدارنده» بیان شده و این ماده صراحتاً در تعریف این نوع مجازات ها بیان داشت: «مجازات بازدارنده، تأدیب یا عقوبتی است که از سوی حکومت به منظور حفظ نظم و مراعات مصلحت اجتماع در قبال تخلف از مقررات و نظامات حکومتی تعیین می گردد. از قبیل: حبس، جزای نقدی، تعطیلی محل کسب، لغو پروانه و محرومیت از حقوق اجتماعی و اقامت در نقطه یا نقاط معین و منع اقامت در نبطه یا نقاط معین یا مانند آن.» (ماده ۱۷)

در این حیطه، گونه ای از تدابیر پیشگیرانه در جهت جلوگیری از ارتکاب چنین جرائمی موجود است که مهمترین آن عبارتند از:

۱. اعطای مشارکت به مردم جهت پیشگیری از جرائم اخلاقی

منظور از اعطای مشارکت به مردم در حقیقت، شرکت دادن مردم و کمک گرفتن از آنها برای

پیشگیری کردن از جرائم و بزهکاری ها است. و همچنین مجازات و محاکمه محکومین کیفری به شکل مستقل یا همراه با نهادهای دولتی است. همیستگی نهادهای مردمی و شهروندان با هیات حاکمه و دولت در حیطه ماهیت، رسالت و اهداف جنایی و سیاسی و مشارکت آنها در مراحل تدوین قانون و اجرایی کردن آن، همچنین مشارکت کردن در قانونگذاری و تعیین کردن خط مشی های کلی در مجموعه فرآیند های قضائی و غیر قضائی و در اجرای محکومیت به معنای مشارکت داشتن در مجازات با هدف بازدارنده کردن جرائم و پیشگیری کردن از تکرار و وقوع جرائم همچنین اصلاح بزهکاران است. (احمدیان راد، ۱۳۹۰، ص ۷۴۶۹).

۲. وضع و تصویب قوانین خاص بازدارنده

با عنایت به رسالت قوه مقننه در وضع و تصویب قوانین خاص بازدارنده با عنایت به چهارچوب و اصول راهبردی سیاست جنایی، همان شکلی که مجلس خبرگان در قانون اساسی وضع و پیش بینی نموده است، این قوه وظیفه وضع و تصویب قوانین را دارد لذا نوع جهت گیری و ابزارهای سیاست جنایی توسط آن مشخص می شود. به بیانی دیگر، انتخابات سیاسی علمی و خطوط استراتژی کلی سیاست های جنایی در مرجع تقنین معین می گردد. لذا بیان کننده سیاست جنایی و تقنینی کشور می باشد که می تواند به پیشگیری از جرائم اخلاقی کمک های شایانی نماید.

چنانکه در گزاره های حقوقی عراق نیز قوانین بازدارنده در این عرصه، وضع و تصویب شده است و به صورت جنایت یا جنحه نیز تقسیم و باب بندی شده است.^۱ (قانون العقوبات

۱. يعتبر عائدا: اولا - من حکم علیه ن هائیا لجناية وثبت ارتكابه بعد ذلك وقبل مضي المدة المقررة لرد اعتباره قانونا جنایة أو جنحة. ثانيا - من حکم علیه ن هائیا وثبت ارتكابه بعد ذلك وقبل مضي المدة المقررة لرد اعتباره قانونا اية جنایة أو جنحة مماثلة للجنة الاولى. وتعتبر الجرائم المبينة في بند واحد من كل من البنود التالية متماثلة لغرض تطبيق احكام هذه الفقرة ۱ - جرائم الاختلاس والسرقة والاحتیال وخيانة الامانة واغتصاب الأموال والسندات والت هديد واخفاء الاشياء المتحصلة من هذه الجرائم أو حيازتها بصورة غير مشروعة. ۲ - جرائم القذف والسب والاهانة وافشاء الاسرار. ۳ - الجرائم المتعلقة بالآداب العامة وحسن الأخلاق. ۴ - جرائم القتل والإيذاء العمد. ۵ - الجرائم العمدية التي يضمها باب واحد من هذا القانون. ثالثا - لا يعتد بالحكم الأجنبي في تطبيق أحكام هذه المادة إلا إذا كان صادراً في جرائم تزيف أو تقليد أو تزوير العملة العراقية أو الاجنبية» (مادة ۱۳۹)

وجود الگوهای مبتنی بر پیشگیری از جرائم اخلاقی

مهمترین الگوهای مبتنی بر پیشگیری از جرائم اخلاقی می تواند در حیطه های ذیل

باشد:

۱. پیشگیری انفعالی یا منفعل

این نوع از پیشگیری که یکی از متداولترین روش های پیشگیری از جرایم است، مورد توجه صاحب نظران حوزه جرم شناسی قرار دارد. در پیشگیری انفعالی، برخی از اقدامات معمول و رایج پیش گیرنده (از جرم و بزه) از نوع هشدار و بازدارنده مثل «هشدارهای پلیسی» صورت نمی گیرد، بلکه در یک انتظار انفعالی برای تأثیر این اقدامات باقی میمانند، به گونه ای که در این نوع از پیشگیری، عوامل اجتماعی (پیشگیری اجتماعی) هیچگونه تأثیری ندارد و در این بین کوچکترین نقش از خود ایفا نمی کند. نقش نهادهای بازدارنده از جرایم (پلیس، مراجع قضایی و ...) در این میان بسیار کم رنگ است. (زینالی، ۱۳۹۱، ص ۱۰۲)

۲. پیشگیری فعال

در پیشگیری از نوع فعال، سازمان هایی چون پلیس، محور اصلی پیشگیری هستند که برای اجتناب و دوری از وقوع جرایم وارد عمل می شوند و در سطح اجتماعی نیز فعال هستند. به عنوان مثال برنامه ریزی و هدایت اوقات فراغت گروهی از جوانان به عهده گرفته می شود که در معرض انحراف، در زمان و مکان خاصی قرار دارند. در این میان نقش نهادهای بازدارنده از جرم و بزه کاری نیز بسیار مشهود است. در این نوع از پیشگیری، برنامه ریزی های کلان و بلندمدت برای جلوگیری از بزه کاری و کاهش آن مدنظر قرار دارد. مسئولین دولتی نیز هریک به فراخور وظیفه اجتماعی خود، نقش عمدهای دارند و اقدامات مستقلى را صورت می دهند. (زینالی، ۱۳۹۱، ص ۱۰۲)



۳. پیشگیری اجتماعی

پیشگیری اجتماعی شامل آن دسته از تدابیر و اقداماتی است که با ایجاد تغییرات و اصطلاحات در فرد و جامعه به دنبال جلوگیری از جرم بصورت پایدار و همیشگی است، پیشگیری مزبور در پی آن است که اعضای جامعه را از طریق آموزش، تربیت، تشویق و تنبیه با قواعد اجتماعی آشنا و هم‌نوا سازد. به دیگر سخن پیشگیری اجتماعی علل و عوامل جرم را اعم از اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، وراثتی و... را مورد بررسی و تحقیق قرار داده و از بروز فکر و تصمیم مجرمانه در ذهن افراد جلوگیری می‌کند. (میرخلیلی، ۱۳۹۲، ص ۳۵)

لذا این نوع پیشگیری، مجموعه اقداماتی را شامل می‌شود که به منظور کنترل یا حذف همه عوامل موثر بر تکوین جرم به ایجاد تغییرات و اصلاحات در فرد و جامعه می‌پردازد. در این نوع پیشگیری ضمن شناسایی عوامل فردی و اجتماعی بزهکاری تلاش می‌شود مدیریت جامعه به گونه‌ای باشد تا تأثیر این عوامل، خنثی یا دست کم کاهش یابد. همه برنامه ریزی‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی می‌تواند چنین جهت‌گیری‌ای داشته باشد.

در حقیقت، پیشگیری اجتماعی که کاهش یا از بین بردن علل فردی و اجتماعی اثرگذار بزهکاری را دنبال می‌کند و با بهره‌گیری از تدابیر و اقدامات پیشین در صدد شخصیت‌سازی و اثرگذاری بر فرآیند شکل‌گیری شخصیت افراد است به دو گونه «پیشگیری جامعه‌مدار» و «پیشگیری رشد‌مدار» تقسیم می‌گردد.

پیشگیری اجتماعی جامعه‌مدار که قدیمی‌ترین و رایج‌ترین شکل پیشگیری غیر کیفری بوده و مکتب تحقیقی (بویژه انریکو فری) نیز بر آن تأکید کرده است، شامل اقدامات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و پیش‌گیرنده می‌شود که نسبت به محیط‌هایی که فرد در آن‌ها زندگی و کار می‌کند اعمال می‌شود.

مبنای جرم‌شناختی پیشگیری اجتماعی از نوع جامعه‌مدار، شناسایی عوامل مختلف محیطی بزهکاری به منظور خنثی کردن یا دست کم، کاهش آنهاست. در واقع پیشگیری جامعه‌مدار از بزهکاری با بهبود شرایط زندگی در یک محیط معین بطور مستقیم بر رفتار مجرمانه تأثیر می‌گذارد. و به دیگر سخن در این نوع پیشگیری، مطالعه منابع بزهکاری و



شناسایی علل آن که با ساختار و تشکیلات جامعه ارتباط پیدا می کند در اولویت قرار می گیرد. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۸، ص ۵۷۰)

تغییر اوضاع و احوال نامساعد اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی بزهکار و منحرف پروری، که در هر حال زمینه کنار گذاری فرد را از جامعه (اجتماع زدایی) فراهم می کنند. فقر، بیکاری، نارسایی خدمات عمومی، اشتغال کاذب، سواستغال، بیماری، بی سواد، حاشیه نشینی، بی مسکنی و... و نیز عوامل روانی جامعه شناختی و فردی به ویژه شرایط نامطلوب خانواده که شکست های عاطفی، تربیتی و تحصیلی اطفال را فراهم می آورند، هسته اصلی این شکل از پیشگیری غیر کیفی را تشکیل می دهند. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۸، ص ۵۷۰)

منظور از پیشگیری اجتماعی رشد مدار مداخلاتی است که برای جلوگیری از رشد پتانسیل جنایی در افراد صورت می گیرد، به ویژه مداخلاتی که هدف آن ها عوامل خطر بزهکاری و عوامل حمایت کننده های است که در تحقیقات درباره رشد انسان کشف شده اند.

پیشگیری اجتماعی رشد مدار که پیشگیری زود هنگام (زودرس) نیز گفته می شود، درصدد است با تدابیر روانی-اجتماعی پیشگیرانه نسبت به اطفال و نوجوانانی که با توجه به شرایط خانوادگی، محلی، تحصیلی و غیره در سنین پایین و نامتعارف در موقعیت های بحران و انحراف در آستانه ارتکاب جرم قرار می گیرند و یا در برخی موارد مرتکب انحراف هایی می شوند که به عنوان جرایم مانع جرم انگاری شده اند (مانند ولگردی، تکدی، فرار از خانه، اعتیاد و...) و یا مرتکب رفتارهای مجرمانه می شوند و بنابراین بیم آن می رود که بزهکاری در آنان مزمن و پایدار شده و در آینده (دوران بزرگسالی) به بزهکاران به عادت یا تکرار کننده جرم تبدیل شوند به صورت افتراقی اعمال و به اجرا گذاشته می شود. در پیشگیری رشد مدار با شناسایی اطفالی که زودتر از سنین معمول رفتارهای ناسازگارانه، منحرفانه و مجرمانه از خودشان نشان داده اند، تلاش می شود تا ضمن شناسایی خلاها و کمبودها یا مشکلات عاطفی، تربیتی، تحصیلی، فرهنگی و غیره که به این دسته رفتارها منجر شده اند، با خود آنان، یا در صورت لزوم با اعضای خانواده آنان، معلمان و همکلاسی ها در مدرسه، همسایگان در محله، گروه همسالان و همبازی ها و... برخورد متناسب صورت گیرد. بنابراین، در پیشگیری اجتماعی رشد مدار علاوه



بر خود منحرف یا بزهکار ممکن است والدین، دوستان، همکلاسی‌ها، آموزگاران و غیره نیز مشمول اقدام‌ها و مداخله‌های روانی- اجتماعی شوند که هدفشان پیشگیری از مزمن، پایدار و مقاوم شدن جرم در آینده است. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۸)

چنانکه در قوانین عراق نیز مشابه چنین رویکردی مورد استفاده قرار گرفته است. به این معنا که اقدامات و تدابیر پیشگیرانه برای محافظت از شهروندان عملاً شرایطی ایجاد می‌کند که در اجتماع با مداخله‌های اجتماعی و احتفاظی جرائم به حد اقل برسد. (خدمة التدابير الوقائية لحماية المواطنين، ۱۹۷۸، ماده ۴)

۴. پیشگیری وضعی

همچنان که از نام «پیشگیری وضعی» پیداست، پیشگیری وضعی، در صدد است که وضعیت فرد مجرم را تغییر دهد. این تغییر وضعیت می‌تواند در حیطه زمانی یا مکانی باشد و نتیجه این تغییر وضعی، پیشگیری از ارتکاب مجدد جرم توسط مجرم خواهد بود. این نوع پیشگیری عبارتی دیگر از پیشگیری موقعیت مدار است.

بنابراین، پیشگیری وضعی، در حقیقت، وضعیتی ایجاد می‌کند که تحقق عملکرد مجرمانه را عملاً غیر ممکن یا سخت و پرخطر می‌سازد.

هدف از پیشگیری وضعی، ایجاد وضعیتی است که در آن مجرم به رغم تصمیم به ارتکاب عملکرد مجرمانه، از محقق کردن قصد خود ناتوان شود. این نوع پیشگیری با سه امر مرتبط است: فرد بزهکار، فرد بزه دیده و اوضاع و احوال و محیط ارتکاب جرم. لذا بزهکار به عنوان محور اصلی جریان وقوع عملکرد مجرمانه در طول تاریخ هدف مبارزه کیفری علیه پدیده مجرمانه بوده است. در دوره انسانی و دادگستری عمومی همیشه بزهکار به عنوان محور شرارت و بزهکاری مورد توجه واقع شده است. (کی نیا، بی تا، صص ۱۶-۱۷)

این نوع پیشگیری در سیاست‌های مطرح شده در قوانین اساسی ایران و عراق به فواصل مختلف بیان شده است. چنانچه در اصل سوم قانون اساسی ایران، دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای رسیدن به اهداف اصل دوم (از قبیل: ... کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا و ...) همه امکانات خود را برای ایجاد محیط مساعد

جهت رشد فضائل اخلاقی براساس ایمان و تقوا و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی و همچنین بالابردن سطح آگاهی های عمومی و تقویت روح بررسی و رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه های مادی و فرهنگی به کار ببرد. (اصل سوم، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۵۸، ۰۹، ۱۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی) همچنین در باب اول موسوم به المبادی الاساسیه در ضمن ماده یک تا سیزده همچنین در باب دوم تحت عنوان الحقوق والحريات در ضمن دو فصل جهت پیشگیری از جرائم اجتماعی، اقتصادی و سایر انواع جرائم، به تدابیر مشابهی با قوانین ایران پردازد. (دستور العراق، الصادر عام ۲۰۰۵)

نتایج تحقیق

با توجه به مطالب مذکور یافته های ذیل به ذهن متبادر می شود:

۱- در نتیجه تعاریف مختلف، می توان به این نقطه رسید که جرم اخلاقی به جرائمی اطلاق می شود که بر علیه گزاره های اخلاقی و مکارم اخلاقی در قانون، عرف و شریعت است. مصادیق جرائم اخلاقی بر اساس نوع آنها در قالب چندین مصداق قرار می گیرد. به عنوان مثال در قالب هایی مانند جرم ارتباطات نامشروع، تظاهر کردن به عملکردهای حرام یا جریحه دارکردن عفت عمومی، تولید محتوا بر علیه عفت و اخلاقیات عمومی، جرائم رایانه ای یا مزاحمت های تلفنی، تولید، پخش و انتشار محتویاتی که مستهجن است همچنین تشویق به فساد یا ایجاد مراکز فحشا و فساد در زیر مجموعه یا مصداق های بارز جرائم اخلاقی قرار می گیرد.

۲- یکی از یافته های پژوهش در جهت پیشگیری است. در حقیقت، پیشگیری از تکرار جرم به معنای مجموعه سازوکارهای قانونی، جامعه شناختی، آموزشی، فرهنگی و دیگر سازوکارها است که در واقع به جلوگیری از وقوع مجدد همان جرم توسط مجرمی که برای یک بار آن را انجام داده به کار می آید.

۳- از منطوق قوانین ایران، پیشگیری کردن از این تکرار از وظائف قطعی قوه قضائیه است. زیرا قوه قضائیه در واقع مدیر سازمان زندانهاست و وقتی زندانی وارد زندان می شود می توان در رابطه با او آموزش ها و تربیت هایی انجام داد که عملاً تکرار جرم را مرتکب نشود. لذا در بند چهار

و پنج اصل صد و پنجاه و شش قانون اساسی، به پیشگیری کیفری از تکرار جرم می پردازد که نوعی از سیاست قانونی کشور ایران در قبال تکرار جرم و جلوگیری از تکرار جرم است.

۴- در منطوق گزاره های قانونی کشور عراق نیز موارد مرتبط با پیشگیری و حفظ عفاف وجود دارد. به این معنا که قانونگذار برای حفظ اخلاق جامعه از زوال و در چارچوب حمایت قانونی از برخی از گروه های سنی و حفظ عفاف عمومی و برای دستیابی به ثبات اجتماعی و اخلاقی در کشور با جرم انگاری برخی از اعمال در تحقق این امر نقش خود را ایفا می نماید. به عنوان مثال در ماده ۳۹۹ در قالب جرائم اخلاقی در فصل نهم کتاب دوم قانون مجازات مذکور مثلاً تحریک به فسق یا انجام فسق را جرم انگاری نموده است.

۵- افزون بر یافته های مذکور، می توان به این نکته دست یافت که در حیطه و محدوده منافی عفت، اختلاف نظر موجود است. با این وجود، این دیدگاه که اعمال منافی عفت اعم از هتک ناموس یا هتک عفت و جریحه دار کردن عفت عمومی است، وجهه بهتری دارد. اگرچه تعریف و تبیین که در حال حاضر و در حیطه عملکرد از این جرم وجود دارد به معنای هرگونه عملی است که به لحاظ اخلاق حسنه و مذهب و رویه رایج جامعه، مورد تقبیح قرار می گیرد. به طوری که به گونه ای هنجارهای رایج جامعه نادیده گرفته شود و افراد جامعه از دیدن، شنیدن یا خواندن آن ناراحت شوند لذا جریحه دار کردن عفت مومی در واقع مرتکب شدن عملکردی است که به نوعی ابراز کردن تمایلات جنسی در مکان های عمومی است مانند ارتباط با جنس مخالف، گفتار و رفتار یا نشان دادن تصاویر نشان دهنده تمایلات جنسی و مخالف عفاف

پیشنهادهای

۱. توسعه و بهبود سیاست های جنایی تقنینی در قبال جرائم اخلاقی، به ویژه جرائم بر علیه عفت زنان، برای تامین عدالت و حفظ ارزش های اخلاقی جامعه ضروری است.
۲. توسعه و ارتقاء آگاهی و آموزش های قانونی درباره جرائم اخلاقی، به ویژه به زنان و جوانان، می تواند به کاهش این جرائم و تقویت ارزش های اخلاقی در جامعه کمک کند.
۳. تعیین مجازات های منصفانه و مناسب برای جرائم اخلاقی، با توجه به شرایط اجتماعی و فرهنگی هر کشور، می تواند تاثیر مثبتی در جلوگیری از این جرائم داشته باشد.

منابع

۱. امین، محمد صالح، بی تا، آراء و ملاحظات فی قضاء الاحداث فی العراق، کلیه قانون جامعه اهل البيت، العدد الخامس.
۲. آریانپور کاشانی، عباس، (۱۳۶۵)، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۳. احمدپور، مهدی، (۱۳۹۵)، فقه و اخلاق اسلامی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، چاپ سوم، بیروت: دار صادر.
۵. اسلامی، رضا، (۱۳۸۹)، مدخل علم فقه، قم: انتشارات مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
۶. اعزازی، شهلا، (۱۳۷۶). جامعه شناسی خانواده، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
۷. آماده، غلامحسین. (۱۳۸۹). اختیارات قضایی در تعیین مجازات. تهران: دادگستر.
۸. تزرغان، فاطمه (۱۳۹۸) نشست زنان خاموش، پایگاه تخصصی وسائل
۹. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۷۸)، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، چاپ دوم، تهران: انتشارات گنج دانش ..
۱۰. - جعفری لنگرودی (۱۳۸۸)، ترمینولوژی حقوق، تهران: انتشارات کتابخانه گنج دانش.
۱۱. الحر العاملی، محمد بن الحسن، (۱۲۶۹م). وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، طهران: به سعی و اهتمام حاج عبدالمحمد و حاج محمد قاسم.
۱۲. حسینی، سید ابراهیم. (۲۰۱۸). نقش قوانین در پیشگیری از جرم ها و آسیب های اجتماعی. مطالعات اسلامی آسیب های اجتماعی.
۱۳. حومد، عبدالوهاب، (۱۹۹۰م): المفصل فی شرح قانون العقوبات - القسم العام (المطبعة الجديدة، دمشق).
۱۴. خوئی، سید ابوالقاسم، (۱۴۱۷ق)، مصباح الاصول، تقریر: سید محمد سرور واعظ حسینی، قم: انتشارات داوری.
۱۵. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷)، لغت نامه دهخدا، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم
۱۶. حلی، جعفر بن الحسن، (۱۴۰۹ق) شرائع الاسلام، تهران: نشر استقلال، چاپ دوم.



۱۷. حسنی، محمود نجیب، (۱۹۸۸م) شرح قانون العقوبات القسم الخاص، ، قاهره: دارالنهضة العربيه.

۱۸. جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۷۲) ترمینولوژی حقوق، تهران: انتشارات گنج دانش.

۱۹. دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، (۱۳۸۰). مجموعه مقالات هم اندیشی بررسی مسائل و مشکلات زنان؛ اولویت ها و رویکردها (۲)، قم.

۲۰. ژان گیرویکارد، برنارد هور کادویان ریشار (۱۳۸۸) ایران در قرن بیستم، ترجمه مهدوی، علیرضا.

۲۱. زراعت، عباس (۱۳۸۰) قانون مجازات اسلامی در نظم کنونی، تهران: نشر ققنوس.

۲۲. شفیعی سروستانی، ابراهیم، (۱۳۸۱)، فقه و قانونگذاری، قم: انتشارات سپهر، چاپ اول.

۲۳. شیر، عباس، (۱۳۹۰)، نقد و بررسی لایحه پیشگیری از جرم، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال دوم، شماره ۲.

۲۴. شهری، غلامرضا (۱۳۸۰) نظریات اداره حقوق در زمینه مسائل کیفری، تهران: نشر سروش.

۲۵. قدسی، زهرا، مجتهد سلیمانی، ابوالحسن (۱۳۸۹) جرائم رایانه ای علیه عفت و اخلاق در حریم خانواده به ویژه قوادی و پورنوگرافی، نشریه فقه و حقوق خانواده، شماره ۵۳.

۲۶. القهوجی، علی عبدالقادر، ۲۰۰۲، قانون العقوبات القسم الخاص، بیروت.

۲۷. میر خلیلی، سید محمود، ۱۳۸۸، پیشگیری وضعی از بزهکاری، ، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

۲۸. نجفی توانا، علی، (۱۳۷۷) جرم شناسی، تهران: انتشارات خط سوم.

۲۹. ولیدی، محمد صالح (۱۳۸۰) حقوق جزای اختصاصی (جرائم علیه عفت و اخلاق عمومی و حقوق و تکالیف خانوادگی، تهران: انتشارات امیرکبیر.

قوانین و مقررات

۱. قانون مجازات اسلامی ایران، مصوب ۱۳۹۲

۲. قانون اساسی ایران، تاریخ تصویب: ۲۵/۰۳/۱۳۸۷

۳. قانون العقوبات العراقي، لسنة ۱۹۶۹.
۴. دستور العراق الصادر عام ۲۰۰۵ م.
۵. قانون مجازات ايران، مصوب ۱۳۹۲.
۶. قانون المحكمة الجنائية العراقية العليا رقم (۱۰)، لسنة ۲۰۰۵.
۷. قانون العقوبات العراقي، رقم ۱۱۱ لسنة ۱۹۶۹.
۸. قانون المحكمة الجنائية العراقية العليا رقم (۱۰) لسنة ۲۰۰۵.
۹. قانون خدمة التدابير الوقائية لحماية المواطنين، عملاً بأحكام المادة الرابعة من قانون الدفاع المدني رقم (۶۴) لسنة ۱۹۷۸ المعدل واستناداً للصلاحيات المخولة لنا بموجب المادة الثانية منه قررنا تشكيل خدمة التدابير الوقائية لحماية المواطنين.
۱۰. قانون تعديل الغرامات الواردة بقانون العقوبات رقم ۱۱۱ لسنة ۱۹۶۹ المعدل والقوانين الخاصة الاخرى
۱۱. دستور العراق الصادر عام ۲۰۰۵ م.
۱۲. دراسات حول الدستور العراقي (۲۰۰۸)، بغداد، مؤسسه آفاق للدراسات و الابحاث العراقيه الدستور العراقي الدائم.
۱۳. نقض سوري جنایة / ۲۵۳ / قرار / ۲۰۷ / تاريخ ۱۹۷۶ / ۲ / ۲۱.

تحليل نظري لمكانة الرجل والمرأة في الآية الكريمة «الرجال قوامون على النساء»

سيد مجتبي ميردامادي

تاريخ الحكم: ١٤٠٣/٤/٨

تاريخ الاستلام: ١٤٠٣/٢/٢

ملخص

الآية الكريمة «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ^٣ فَالضَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ وَالَّتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاضْرِبُوهُنَّ فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا كَبِيرًا» (النساء: ٣٤) كانت وما زالت محور بحث ونظر بين المفسرين والفقهاء والحقوقيين - بسبب وظائفها ومنافعها الفردية والاجتماعية ونتائجها في الأحكام القضائية، ودراسة ومناقشة مصاديق تفضيل الرجال على النساء ودفاع النساء عن مكانتهن - وقد أجمعوا جميعاً على أن الآية تشير إلى تفضيل الرجال على النساء في بعض الشؤون. ومع ذلك، على عكس الفهم العام الذي يرى أن الآية تعبر عن تفضيل خاص فقط وترتبط بتفضيل الزوج على الزوجة في إدارة شؤون الأسرة، تسعى هذه المقالة إلى إثبات ولاية الرجل على المرأة في أمر الحكم والقضاء من خلال ثلاثة جوانب: أ) العموم في التعليل، ب) تنقيح المعايير، ج) الدلالات. كذلك، يتم بيان أن ولاية الزوج على الزوجة هي فقط شأن من شؤون الآية وليست كل ما فيها. وفي النهاية، تُجَابَ عن بعض الإشكالات المتعلقة بدلالة الآية الكريمة.

الكلمات الرئيسية: تفضيل، امرأة، قضاء، قوامون، رجل.



الاستناد إلى القواعد الفقهية في الأحكام القضائية الأسرية

ليلا ثماني

معصومه شهرياري

تاريخ الاستلام: ١٤٠٣/٤/١٣

تاريخ الحكم: ١٤٠٣/٥/١٧

ملخص

نظراً لأن القواعد الفقهية تُستخدم في العديد من الحالات كقاعدة لوضع القوانين أو كدليل في إطار التقاضي في دعاوى الأسرة، فإن الهدف من هذه الدراسة هو تحليل حالة استخدام القواعد الفقهية في مستندات الأحكام القضائية الصادرة في دعاوى الأسرة وإمكانية تطور ذلك نحو تحقيق توحيد أكثر في تنفيذ مضمون المادة ١٦٧ من الدستور. تشمل شبكة جمع المعلومات، الأحكام القضائية للمحاكم الابتدائية ومحاكم الاستئناف، وفي بعض الحالات أحكام المحكمة العليا، خلال فترة الأعوام من ١٣٩١ إلى ١٣٩٣ المتاحة للجمهور في نظام الأحكام القضائية بمركز الأبحاث القضائية. تُشير النتائج إلى أن رؤية القضاة حول استخدام القواعد الفقهية في المستندات كانت كأدلة ومؤيدات بشكل صريح أو مجردة. ورغم أنه يمكن الاستناد إليها في بعض الحالات، إلا أنها كانت مغفلة. إن تطبيق القواعد الفقهية في دعاوى الأسرة حالياً يُعتبر مقبولاً إلى حد ما، ولكن نطاق هذه الاستفادة يتجاوز الوضع الحالي ومن الضروري تطويرها. وبالتالي، تمت تقديم اقتراحات بشأن التعرف على القواعد الفقهية المطبق عليها في الأحكام القضائية والتأكيد على استخدام القواعد الفقهية بشكل أعم وأيضاً التحرك نحو توحيد إجراءات القضاء في المحاكم الأسرية.

الكلمات الرئيسية: قواعد فقهية، تطبيق القاعدة، دعاوى الأسرة، أحكام قضائية، توحيد الإجراءات.



أحكام أولية وثانوية لحق فسخ النكاح في العيوب غير المنصوصة

محمد جواد واعظي

تاريخ الحكم: ١٤٠٣/٤/١١

تاريخ الاستلام: ١٤٠٣/٢/١٨

ملخص

العيوب غير المنصوصة عنوان تم طرحه بين الفقهاء بعد زمان المعصومين، ويرتبط بالعيوب أو الأمراض المستعصية التي تم حصر حق فسخ النكاح فيها بعدد معين من العيوب وفق الروايات. وقد اشتهر بين الفقهاء عدم جواز هذا الحكم للعيوب غير المذكورة، وبالتالي لم يلتزموا بـ "خيارات نقص الشرط الضمني للسلامة من العيب"، في حين التزموا بهذا في العقود الأخرى بعد بروز العيب. كما أظهروا "قاعدة لا ضرر ولا ضرار" لمنع الضرر عن أحد الأطراف أو الغش والخداع من الطرف الآخر، لكنهم لم ينظروا إلى هذا القاعدة بالنسبة لفسخ النكاح في العيوب غير المذكورة في الروايات. رغم أن بعض الفقهاء الآخرين اهتموا بهاتين القاعدتين حتى في مثل هذه العيوب. وازداد هذا النقاش جدية عندما تم طرح عيوب وأمراض مثل الإيدز والتهاب الكبد من الأنواع المعدية والخطيرة، فضلاً عن السرطان والتصلب المتعدد المتقدم، والتي كانت غير قابلة للعلاج وتؤثر سلباً على الحياة الزوجية. ولذلك، اقترح بعض الفقهاء المعاصرين مساراً آخر من أجل حق الفسخ، أو فتح طريقاً يمكن أن يُعطى حتى النساء اللاتي لا يمتلكن حق الطلاق، بحيث بعد العقد إذا اكتشفن عيباً أو مرضاً خطيراً في الزوج، يمكنهن أن يمتلكن حق الفسخ مباشرة دون الرجوع إلى المحكمة أو إمكانية الطلاق الولائي. في هذه الدراسة، يتم الكشف عن الحلول الثبوتية أو الإثباتية.

الكلمات الرئيسية: عيوب غير منصوصة، شرط ضمني، قاعدة لا ضرر، حصر إضافي، قضايا خارجية.



الحرمان الخاصة من منظور الإمام الخميني (ره) وحقوق أساسية في إيران مع نظرة مقارنة على تبرج النساء

منصور شنان نصاري

تاريخ الحكم: ۱۴۰۳/۵/۸

تاريخ الاستلام: ۱۴۰۳/۴/۱۷

ملخص

الجمال موجود في جوهر الإنسان، ومن ثم فإن التجميل والتزيين دائماً تحت اهتمام الإنسان. وقد أشار القرآن الكريم في سورتي الأحزاب والنور إلى مسألة التبرج بشكل مباشر؛ حيث يقع التبرج ضمن دائرة الحرمان والحقوق الذاتية لكل إنسان. وهذا الحق يتم تنفيذه بوسائل وطرق متنوعة مثل الملابس، والعطور، وتزيين الشعر والوجه، وما إلى ذلك. فحقيقة الأمر أن حق الحرمان الخاصة هو نطاق أفعال كل فرد لا يرغب في كشف نفسه. ومع ذلك، ينبغي أن يُعلم أن على الرغم من أن التبرج هو حق إنسان، إلا أن كافة الحقوق والحريات للأشخاص ليست مطلقة. في الواقع إن القانون أو الأعراف التي تُمثل الحرمان الخاصة تعترف بذلك ولكنها تضع قيوداً وشروطاً عليها. يصر البعض على أن مفهوم الحجاب موضوع فردي، ويرونه شيئاً خارج إطار الحكومة والمجتمع، لكن هذا الادعاء مردود لأسباب عدة، لأنه من جهة، لا يمكن فصل النطاق الخاص عن العام في بعض الحالات، ومن جهة أخرى، فإن تأثير الحجاب على الصحة النفسية للمجتمع ووجود انتقادات تجاهه في القوانين في الدول الغربية وحتى في بعض الدول الإسلامية المتأثرة بالغرب يجعل هذا الموضوع مسألة اجتماعية وعامة. إن تحليل آراء الإمام الخميني، المفسرين، وبعض الحقوقيين يظهر أن نطاق تبرج النساء أوسع من مجرد إظهار الزينة والتجميل في الملابس، وأنه عمومًا كل نوع من مظاهر التبرج التي قد تكون سبباً لارتكاب المعصية تُعتبر تبرجاً.

الكلمات الرئيسية: حرمان خاصة، تبرج، الإمام الخميني (قده)، حجاب، القرآن الكريم، القانون الأساسي.

نقد شبهات حقوق النساء مع التركيز على الآية الرابعة والثلاثين من سورة النساء

علي نصيري

محمد حسين نصيري

تاريخ الحكم: ١٤٠٣/٥/١٦

تاريخ الاستلام: ١٤٠٣/٤/١٣

ملخص

من بين مسائل حقوق الإنسان، الحقوق المتعلقة بالنساء هي من الموضوعات المهمة، وقد ادعى بعض الناس بالاعتماد على اتفاقية القضاء على جميع أشكال التمييز ضد النساء أن التعاليم القانونية في القرآن بشأن النساء، وخاصة في الآية الرابعة والثلاثين من سورة النساء، تمثل تمييزاً وتفضيلاً للرجال على النساء. واستندوا في البعض من ادعاءاتهم إلى تركيبة إدارة الأسرة التي تعود إلى الرجال ورفع قضايا التأديب الجسدي للنساء لزوجاتهم. نحن نرد على تلك الشبهات بفحص مكانة النساء في نظر القرآن، حيث أثبتنا أن النساء والرجال، من منظور القرآن، خلقوا من نفس واحدة، ولكل منهما إمكانية متساوية في ممارسة مراتب العبادة. والميزة الوحيدة للتفاضل في القرآن هي التقوى، وليس للجنس أي دور في ذلك. حتى أن بعض النساء في القرآن يُعتبرن نموذجاً لجميع البشر، بما في ذلك الرجال. ومن جهة أخرى، بعد توضيح ضرورة وجود مدير في الأسرة، يُفسر القوام في الآية بأنها تعني واجب الإدارة الاقتصادية وتأمين أمان الأسرة وما شابه ذلك. كما أن ترتيب الإجراءات أمام النساء النشر ومعنى الضرب في الآية، مع الاستناد إلى الروايات التفسيرية، يساهم في تفكيك الشبهة المذكورة من العقول، حيث إن الضرب يحدث بعد الوعظ وعدم الانتباه في الفراش من قبل الزوج، وذلك يتم فقط باستخدام عود السواك. في الواقع، هذه التعليمات القرآنية وُضعت لمنع انهيار أساس الأسرة.

الكلمات الرئيسية: ضرب المرأة، قوامة، نشوز، حقوق المرأة، اتفاقية القضاء على جميع أشكال التمييز ضد النساء، مكانة المرأة في القرآن.



السياسة الجنائية التقنية في إيران والعراق في الجرائم الأخلاقية المتعلقة بالنساء مع التركيز على فقه الإمامية

خديجه حامدى

طوبى شاكرى گلپايگانى

تاريخ الحكم: ١٤٠٣/٥/٢٥

تاريخ الاستلام: ١٤٠٣/٤/١٩

ملخص

تؤدي النساء، كجزء من المجتمع البشري، دورًا هامًا في توجيه ونمو المجتمع. ولذلك، فإن الانحرافات والجرائم الأخلاقية لديهن تؤثر أكثر بكثير على الأسرة والمجتمع. يمكن أن تشمل أهم مصاديق الجرائم الأخلاقية سلوكيات مثل الاتصالات غير الشرعية، التصرف بأساليب محظورة، أو تعريض العفة العامة للخطر. ومن هنا، تكون دراسة السياسات التشريعية في مواجهة هذا النوع من الجرائم ذات أهمية بالغة، لأن العفة العامة دائمًا ما كانت واحدة من القيم التي تم التأكيد عليها من قبل المشرعين. لذلك، مع الأخذ في الاعتبار أوجه التشابه الموجودة في المصادر والأسس بين النظامين القانونيين الإيراني والعراقي، تسعى هذه الدراسة للإجابة على السؤال حول كيفية السياسات الجنائية التقنية في كل من العراق وإيران في مواجهة الجرائم الأخلاقية. تُظهر نتائج البحث أن أحد نقاط الاشتراك بين النظامين القانونيين الإيراني والعراقي فيما يتعلق بالوقاية هو مجموعة الآليات القانونية والاجتماعية والتعليمية والثقافية لمنع تكرار الجريمة، مثل تجريم التحريض على الفسق أو القيام بالفسق في إطار الحفاظ على العفة العامة، رغم أنه توجد اختلافات أيضًا في نطاق تطبيقات الأعمال المخالفة للعفة بين النظامين.

الكلمات الرئيسية: سياسة جنائية تقنية، الجرائم الأخلاقية، تجريم، منافي العفة، فقه الإمامية.



A theoretical analysis of the position of men and women in the honorable verse

"Al-Rajal Qawamun Ali-Nisa"

Seyyed Mojtabi Mir Damadi¹

Abstract

Men are in charge of women, because Allah hath made the one of them to excel the other, and because they spend of their property (for the support of women). So good women are the obedient, guarding in secret that which Allah hath guarded. As for those from whom ye fear rebellion, admonish them and banish them to beds apart, and leave them. Then if they obey you, seek not a way against them. Lo! Allah is ever High, Exalted, Great. (Nasa': 34) has always been a place of debate and opinion among commentators, jurists and jurists – for its functions and individual and social benefits and its result in judicial rulings and examination and controversy in cases of men's superiority over women and women's defense of their position. However, all of them have accepted that the noble verse implies the superiority of men over women in some matters. At the same time, contrary to the general opinion that Aya Sharifah is only a special explanation and refers to the superiority of husband over wife in managing family affairs, this article aims to explain the authority of men over women in matters of government and judgment into three approximations: a) General explanation b) revision of the criteria and c) Fahwi, as well as the statement of the commentators of the Qur'an to prove and state that the guardianship of the husband over the wife is only one of the aspects of the verse and not all of it.

Keywords :Superiority: woman: judgment: strength: man



1 Assistant Professor of Fiqh and Fundamentals of Islamic Law Department, University of Tehran .

Reference to jurisprudence rules in family judicial decisions

Leila Samani¹

Masoumeh Shahriari²

Abstract

Considering that jurisprudence rules are cited in many cases as a basis for making laws or as a reason for family lawsuits, the purpose of this research is to investigate the status of using jurisprudence rules in the documentation of judicial decisions issued in family lawsuits and the possibility Development measurement is part of it in order to create more unity in the implementation of the provisions of Article 167 of the Constitution. The scope of information collection is the judicial decisions of the primary and family appeal courts and in some cases the decisions of the court in the period between 1391 and 1393, which are available to the public in the system of judicial decisions of the Judiciary Research Institute. The findings indicate that the approach of judges to employ jurisprudential rules in documents in the form of evidence and evidence is both explicit and descriptive, and in some cases, despite the possibility of citation, it has been neglected. Applying jurisprudential rules in family lawsuits is currently acceptable to some extent; But the scope of the possibility of this benefit is more than the existing situation and the capability and necessity of its development is proven. Therefore, suggestions regarding identifying and explaining the jurisprudential rules applicable in judicial opinions as well as emphasizing the use of jurisprudential rules in a more general way and moving towards judicial unity in the family court were presented.

Keywords :Jurisprudential rules؛ application of rules؛ family lawsuits؛ judicial opinions؛ unity of procedure

1. Member of the scientific faculty of the Women's Research Institute of Al-Zahra University

2. Senior expert in jurisprudence and family law, Shahid Motahari High School



The primary and secondary rulings on the right to annul marriage in undocumented defects

Mohammad Javad Vaezi¹

Abstract

Non-scriptural defects is a title that was raised among the jurists after the issuance of the covenant and the time of the Imams (peace be upon them), who considered the right to annul the marriage limited to a specific number of defects in the hadiths regarding the defects or incurable diseases. They did not consider this ruling for defects not mentioned in the hadiths, and because of this limitation, the "choice of breaching the implied condition of immunity from defects" was not binding in such defects, even though in other contracts they were binding after the defect occurred, as well as the "law of no harm". and without harm" in order to prevent one party from being lost or cheating and deceiving the other party, they considered it valid and allowed the right of annulment, but they did not pay attention to the same rule for annulment of marriage for faults not mentioned in the hadiths, although Other jurists had regard to these two rules even in cases of such defects; This discussion became serious when defects and diseases such as AIDS and hepatitis, which are contagious and dangerous, as well as cancer and advanced MS, were brought up, which were incurable and disrupted married life and caused harm to the other party. It happened that some contemporary jurists drew another way for the right of rescission, or there is another way that is placed on the path of ijtihad, to allow that, for example, a woman who does not have the right to divorce, When the husband is informed of a major defect or illness after the marriage, what should he do if he has the right to terminate the marriage directly without going to the court and the possibility or impossibility of divorce? In this research, proof or proof method is revealed.

Keywords: Undocumented defects; implicit condition; no harm rule; additional restriction; foreign cases



1. Level 4 of jurisprudence and principles, professor of foreign jurisprudence

Privacy from the perspective of Imam Khomeini and

Iran's constitutional rights with a comparative view on women's ascension

Mansour Shanan Nasari¹

Abstract

Beauty is in human nature and therefore makeup and adornment has always been and is the concern of man. The Holy Qur'an also directly refers to the issue of Tabarj in two surahs, Al -Ahzab and Noor; Tabraj is placed in the circle of privacy and the inherent right of every human being; This right is done with various means and methods such as: clothes, perfumes, hair and face makeup, etc. In fact, the right to privacy is the domain of the actions of every person who may not want to reveal it. However, it should be known that although privacy is a human right, all the rights and freedoms of individuals are not absolute and free, and in fact, the law or custom that confirms privacy also considers it limited and conditional. Some insist on the individuality of the veil and consider it a matter outside the scope of the government and the people of the society; But this claim is rejected for some reasons; Because, on the one hand, it is not possible to separate the private from the public realm in some cases, and on the other hand, the effectiveness of veiling on the mental health of the society and the critical treatment of hijab in the regulations of Western and even Westernized Islamic countries, show this issue as a social and public issue. The analysis of Imam Khomeini's opinion, commentators and even some jurists indicate that the scope of women's tabraj is wider than the expression of adornment and make-up in clothing, and in general, any kind of display of women that leads to the commission of a sin is considered tabraj

Keywords: Privacy; Tabarj; Imam Khomeini (may God have mercy on her); Hijab; Holy Quran; Constitution

1. Graduated level 4 of jurisprudence and principles, Qom seminary

